

## مواجهه با ضعف تمثیل در آثار استاد جعفری لنگرودی

محمد درویش‌زاده<sup>۱</sup>

### چکیده:

این تحقیق به منظور ارائه توصیف و تحلیلی از ضعف تمثیل و مواجهه با آن در آثار استاد جعفری لنگرودی انجام شده است.

یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که ضعف تمثیل در آثار علمی و پژوهشی امری مشهود و مستند است و موجب ضعف استدلال و سستی بنیان پژوهش‌های علمی شده است. تحلیل آماری از کاربرد تمثیل «اکرم‌العلماء» حاکی از آن است که بیش از هفت‌هزار مورد این تمثیل در منابع فقهی و اصولی استفاده شده است! و تحلیل کیفی حاکی از وجود دهها مصداق از مثالهای ضعیف و فاقد کاربرد است که هیچ کمکی به فرآیند یاددهی و یادگیری نمی‌کنند و فراگیران را از تحرک اندیشه می‌دارند و نوعی درنگ ذهنی برای آنها پدید می‌آورند و فرآیند معناسازی را با اختلال مواجه می‌کنند.

در تحقیق حاضر با استفاده از آرایه ادبی تشخیص یا جان‌بخشی و شخصیت‌بخشی به «اکرم‌العلماء» - به عنوان یکی از تمثیلهای پرکاربرد در فقه و اصول - توضیح داده شده است که کاربرد فراوان و ناروای این تمثیل؛ چگونه معنای لغوی و مفهوم ادبی این تمثیل را تغییر داده و چگونه استاد جعفری لنگرودی با طراحی و خلق مثالهای زنده و جدید تلاش کرده که بر غنای علمی تمثیلهای تخصصی بیفزاید و با فراوان‌سازی تمثیل‌های جدید و زنده حقوقی، فرایندهای یاددهی و یادگیری را متحول کرده است و نتیجه آنکه توسعه علمی و افزایش «شاخص تولید علم» مستلزم آن است که در آینده نیز باید در پژوهش‌های فقهی، اصولی و حقوقی به دنبال یافتن مثالهای جدید و پرکاربرد بود و این فرآیندها را توسعه بخشید.

کلیدواژه: اکرم‌العلماء، جعفری لنگرودی، ضعف تمثیل

به نام برارنده ماه و مهر  
سمیع و بصیر و لطیف و خبیر  
سراینده ارغنون سپهر  
حکیم و علیم و عزیز و قدیر<sup>۱</sup>

مواجهه با ضعف تمثیل در آثار استاد جعفری لنگرودی بر اساس آرایه ادبی تشخیص

#### ۱- بیان مسئله:

در آثار استاد جعفری لنگرودی بارها از ضعف تمثیل و فقر مثال سخن رفته است. این موضوع مستلزم تحلیل‌های کمی و آماری از یک سو و بررسی کیفی و محتوایی از سوی دیگر می‌باشد تا مشخص شود اساساً ضعف تمثیل و استفاده از امثله پرتکرار و ضعیف در متون اصولی، فقهی و حقوقی وجود دارد یا نه؟! و چه آثار و عوارضی دارد؟ و چه نقشی در تولید علم و اتقان پژوهشی می‌تواند ایجاد کند؟ لذا مسئله این تحقیق آن است که گزارش ضعف تمثیل و فقر مثال که در آثار استاد جعفری لنگرودی آمده است به کاوش گذاشته شود.

#### ۲- سؤال اصلی تحقیق:

آیا آثار علمی (فقه، اصول، حقوق) با مسئله ضعف تمثیل مواجه است؟ این سؤال به سؤال‌های متعددی به شرح زیر تقسیم می‌شود:

- ۱-۲- ضعف تمثیل چیست و چه مشکلاتی در اثر علمی ایجاد می‌کند؟
- ۲-۲- تمثیل «اکرم‌العلماء» چه خصوصیتی دارد و تحلیل آماری آن چه نتایجی را نشان می‌دهد؟
- ۳-۲- در تحلیل کیفی و محتوایی چه نمونه‌هایی از ضعف تمثیل در آثار علمی وجود دارد؟
- ۴-۲- آرایه ادبی تشخیص چیست و چرا در این مقاله استفاده می‌شود؟
- ۵-۲- «اکرم‌العلماء» با استفاده از آرایه ادبی تشخیص چگونه توصیف می‌شود؟
- ۶-۲- مواجهه استاد جعفری لنگرودی در برابر ضعف تمثیل با استفاده از آرایه ادبی تشخیص چگونه توصیف می‌شود؟
- ۷-۲- چرا و چگونه انسجام علمی و اتقان و استحکام پژوهش‌های آتی فقه و حقوق نیازمند مقابله با ضعف تمثیل است؟

#### ۳- نحوه تحلیل سؤال‌ها: (روش تحقیق)

در این تحقیق ارزیابی فرضیه ضعف تمثیل در آثار و ادبیات علمی که از سوی استاد جعفری لنگرودی مطرح شده است به دو شیوه انجام می‌شود. اول شیوه کمی و آماری و دوم شیوه کیفی و تحلیلی. در شیوه اول برای ارزیابی کمی این فرضیه، از طریق شمارش عددی و تحلیل آماری در متون و ادبیات علمی، فقهی و اصولی و حقوقی بررسی می‌شود که آیا فرضیه استفاده از مثال‌های تکراری به صورت ثابت

در طول صدها سال صحت دارد یا نه؟ و آیا فرضیه تکرار مثال‌ها از نظر آماری امر پذیرفته شده‌ای است یا نه؟ و در شیوه دوم از طریق تحلیل محتوا نمونه مثال‌های ضعیف شناسایی می‌شود. به عبارت دیگر، در تحلیل کیفی مصادیقی از تمثیل‌هایی که ادعای ضعف آن‌ها شده است از منابع استخراج و با تحلیل محتوا و سنجش کیفی آن‌ها مشخص می‌شود که آیا ضعف تمثیل در مصادیق شناسایی شده وجود دارد یا نه؟

#### ۴- ضعف تمثیل چیست و چه آثاری دارد؟

کاربرد تمثیل<sup>۱</sup> در ادبیات بسیار گسترده است؛ اما در مباحث علمی به منظور معنارسازی و انتقال معنای تخصصی استفاده می‌شود. هرگاه در بیان تمثیل از یک مثال ثابت به صورت مکرر و در جاهای مختلف استفاده شود با «ضعف تمثیل» مواجه خواهیم بود. استاد جعفری لنگرودی در کتاب مبسوط<sup>۲</sup> در ترمینولوژی حقوق ذیل عنوان ضعف تمثیل می‌نویسد: «ضعف تمثیل «یعنی ناتوانی در ارائه مثال حقوقی زنده و عملی» که نمونه‌ای از آن را در واژه «خیط مغصوب»<sup>۳</sup> در این کتاب می‌توان دید. ضعف تمثیل ارزش بسیاری از مسائل را مورد تردید قرار می‌دهد و این تردید از اعتبار آنها می‌کاهد. غزالی در معیارالعمل در منطق گامی کوتاه در ارائه مثال‌های زنده برداشت... راقم این سطور در کتاب دانشنامه حقوقی و در همه تألیفات خود مبارزه بی‌امانی را علیه ضعف تمثیل پی گرفتیم.»<sup>۴</sup> ایشان در جای دیگری در ارتباط با ضعف تمثیل می‌نویسند که «خیط مغصوب مثالی است زنده از ناتوانی صاحب‌نظران در ارائه مثال علمی و زنده که بیش از هزار سال است دست به دست می‌گردد. گیر کردن سر گاو در خمره همسایه، مثالی است معروف که از خواص به عوام رسیده است.»<sup>۵</sup> استاد جعفری لنگرودی در موارد بسیاری به موضوع ضعف تمثیل وارد شده است و نمونه‌های بسیاری از مباحث فقهی، اصولی و حقوقی را ذکر می‌کند که در آنها ضعف تمثیل بیداد کرده است. از جمله در مبسوط ذیل واژه ۸۹۳۶ و ۱۲۲۵ نمونه‌هایی را از مفتاح الکرامه و المغنی و روضه‌القضاات ذکر می‌کند که مصادیقی از ضعف تمثیل را نشان می‌دهد.<sup>۶</sup> وی در کتاب فن استدلال - منطق حقوق اسلام شماره ۴۲۳ در بیان آثار ضعف تمثیل می‌نویسد «آوردن مثال‌های

۱. توصیف یک چیز زیر پوشش یک چیز دیگر.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ۱۳۷۸، گنج دانش، جلد ۲، ص ۲۳۹۱.

۳. همان.

۴. همان.

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، وسیط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، ۱۳۸۹، ص ۴۵۵، ذیل عنوان ضعف تمثیل.

۶. حسینی عاملی، سیدمحمدجواد، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، جلد ۶، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۹۱، ص ۲۸۴ و ابن قدامة المقدسی، المغنی، مكتبة القاهرة، سال ۱۳۸۸ جلد ۵، ص ۲۸۳ و السمنانی، أبی القاسم، روضه القضاء و طریق النجاه، حلد سوم، محقق صلاح الدین الناهی. ۲۰۱۵، ص ۱۲۶۶. ایشان همچنین در کتاب مسائل منطق حقوق و منطق موازنه، شماره ۲۲۷ تا ۲۳۰ و الفارق جلد ۳ ذیل عنوان اجماعیه شماره ۴۴ و ۴۵ و نیز عنوان عده شماره ۵۶ و در کتاب روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق شماره ۳۱۶ ص ۲۴۰ به نمونه‌های ضعف تمثیل در آثار بزرگان اشاره می‌کنند.

ضعیف استدلال را ضعیف می‌کند» و در کتاب روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق نمونه‌ای از عبارات علامه در تذکره را ذکر می‌کند<sup>۱</sup> و در ادامه مثال‌های علامه را ضعیف دانسته و گفتند که مثال قوی کم نیستند و آنگاه خودشان مثال‌هایی زنده و عینی را ذکر کردند.<sup>۲</sup>

ایشان تصریح می‌کنند که «آوردن مثال‌های زنده که موجب تحرک اذهان باشد علامت پختگی فکری کسی است که توجه به ارزش آن‌گونه مثال‌ها دارد. در گذشته آوردن مثال‌های ضعیف و گاه خنده دار و دور از عمل و عقل رایج بود و مانند حل کردن جدول روزنامه‌ها مایه سرگرمی و شوخی جوانان محسوب می‌شد. ضعف تمثیل یکی از موجبات رکود اندیشه طالبان این علم و شاید کاهش اعتقاد آنان به مقام این علم به شمار می‌رفت.»<sup>۳</sup> ایشان تأکید می‌کنند «مثلاً در جعاله به قدری مثال‌های بی‌ارزش آورده‌اند که بحث جعاله را کم اعتبار جلوه داده‌اند حال آنکه جعاله مبحث مهمی است و گاه به جای آوردن مثال زنده به سجع و قافیه‌پردازی پرداخته‌اند»<sup>۴</sup>. از نظر ایشان حتی شیخ انصاری در کتاب مکاسب با مشکل ضعف تمثیل مواجه بوده‌اند.<sup>۵</sup> در جاهای دیگری ایشان در مقام تعریف ضعف مثال تأکید کرده‌اند که «اسلاف ما از این حقیقت غفلت تام ورزیده‌اند و با آوردن مثال‌های ضعیف مطالب را موهوم جلوه دادند و دست کم از تحرک اندیشه باز داشتند. طالب جوان علم چون به مثال ضعیف برخورد در قبول خود مطلب به شک می‌افتد و نوعی درنگ بر ذهن او سایه افکن می‌شود»<sup>۶</sup>. از نظر ایشان حتی «منطق یونان هم دچار ضعف مثال‌های فراوان است و همه گرفتار ضعف امثله هستند و مثال‌های قوی را ندارند»<sup>۸</sup> از نظر ایشان «مثال‌های قوی و زنده پشتوانه منطق و ابزار تحرک اندیشه است و همان‌گونه که در کتاب روش تحقیق گفتم شب‌ها و روزها برای انتخاب مثال‌ها تصفح متون کردم تا توانستم مثال‌های پیش پا افتاده را حذف کرده و مثال‌های جدیدی را اضافه کنم.»<sup>۹</sup> ایشان در کتاب فن استدلال نیز تأکید کرده‌اند که «مثال ضعیف آوردن یعنی از موضع ضعیف سخن گفتن که استدلال را ضعیف می‌کند. عمری در تألیفات خود امثله ضعیف را کنار زدم و امثله درست به کار بردم که می‌توانید بیازمایید.»<sup>۱۰</sup>

۱. علامه حلی، تذکره الفقهاء، المكتبة المرتضوية ۱۴۱۴ جلد ۲، ص ۵۳۳ تا ۵۳۸.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، روش جدید در مقدمه علم حقوق، گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۲۴۰ به بعد.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، علم حقوق در گذر تاریخ، سال ۱۳۸۷، ص ۱۸۹.

۴. همان.

۵. همان.

۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مسائل منطق حقوق و منطق موازنه، ۱۳۸۴، گنج دانش، ص ۱۳۳.

۷. همان.

۸. همان.

۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مسائل منطق حقوق و منطق موازنه، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴، ص ۱۳۳.

۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فن استدلال در منطق حقوق اسلام، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص ۲۵۹.

#### ۵- تمثیل «اکرم‌العلماء» چه خصوصیتی دارد؟

بدواً یادآور می‌شود که خوانش «اکرم‌العلماء» را نباید با «اکرم‌العلماء» اشتباه کرد. زیرا اولی جمله‌ای است دستوری و امری به معنای آنکه «دانشمندان را گرامی بدار» و دومی ترکیبی توصیفی و به معنای «گرامی‌ترین دانشمندان» است. جمله اول تمثیلی است که موضوع بحث ماست و بسیار پرکاربرد و با دفعات تکرار زیاد در مباحث مختلف اصولی و فقهی به کار رفته است. کاربرد فراوان این جمله در مباحث اصولی، فقهی و حقوقی حاکی از ضعف تمثیل و قلت مثال است که برای توضیح معانی استفاده شده است. استاد جعفری لنگرودی از این ضعف تمثیل مکرر انتقاد کرده و تلاش در جایگزینی آن با مثال‌های زنده و عینی و کاربردی دارد. جایگاه تمثیل «اکرم‌العلماء» و نقش آن در مباحث علمی فقهی و اصولی برای کسانی روشن است که با کتب درسی حوزویان مأنوس بوده و با جلوه‌های پرکاربرد این تمثیل در جای جای مباحث اصولی ارتباط گرفته باشند.

#### ۶- تحلیل آماری کاربرد «اکرم‌العلماء» چه نتایجی را نشان می‌دهد؟

برای آگاهی و اشراف خوانندگان به جایگاه و کاربرد این تمثیل در کتب درسی و تخصصی حوزه‌های علمیه لازم است به تحلیل آماری راجع به این تمثیل توجه شود. برای بررسی کاربرد «اکرم‌العلماء» و ترکیبات و مشتقات آن در کتابخانه دیجیتال نور تحقیقی انجام شد و نتایجی به شرح زیر حاصل شد.<sup>۱</sup>

۶-۱- «اکرم‌العلماء» با ترکیب‌های مشابه و متعددی در منابع اصولی و فقهی به عنوان تمثیل استفاده شده است!! از جمله این ترکیبات مشابه عبارتند از: «لا تکرّم الفساق»، «تکریم العلماء»، «احترام العلماء»، «لا تکرّم الفساق من العلماء» و امثال آن.

۶-۲- در مجموع ترکیبات مختلف «اکرم‌العلماء» در بیش از ۲۲۷ کتاب فارسی و بیش از ۱۲۸۷ کتاب عربی آورده شده است. یعنی در مجموع بیش از ۱۵۱۴ کتاب این ترکیبات را مکرراً استفاده کرده‌اند. از این تحلیل به خوبی می‌فهمیم که چرا ایشان فرموده‌اند «صاحب‌نظران در ارائه مثال علمی و زنده که بیش از هزار سال است دست به دست می‌شود گیر کرده‌اند»<sup>۲</sup>

۶-۳- جمع دفعات تکرار استفاده از این تمثیل در کتاب‌های مزبور حاکی از وجود رکورد ۷۰۹۳ مورد می‌باشد. یعنی در قریب به اتفاق منابع بررسی شده، این تمثیل مشاهده شده است و در طول بیش از ۱۰۰۰ سال استفاده از این تمثیل هیچ تحول و تغییری نداشته و مکرر نیز استفاده شده است.

۶-۴- وجه دیگر تمرکز این مقاله به استفاده از این تمثیل ناشی از آن است که در حال حاضر هم کاربرد این تمثیل در منابع پژوهشی روندی رو به تزاید دارد به عنوان مثال تعداد استفاده از تمثیل «اکرم‌العلماء» در رسائل شیخ انصاری معادل «۱۸» مورد بوده و استفاده از این ترکیب در کتاب انوارالاصول مکارم شیرازی به ۲۸ مورد و در کتاب بحوث شهید صدر که توسط هاشمی شاهرودی تقریر شده به ۴۵ مورد افزایش پیدا کرده است.

۱. منبع، کتابخانه دیجیتال نور به آدرس [www.noorlib.ir](http://www.noorlib.ir) در اسفند ۱۳۹۷.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، وسیط در ترمینولوژی حقوق، شماره ۲۳۶۹، ص ۴۵۵ ذیل عنوان ضعف تمثیل.

۵-۶- ثابت ماندن استفاده از این تمثیل و علاوه بر آن روند تصاعدی و رو به تزاید استفاده از این تمثیل امری است که فرضیه فراگیر شدن ضعف تمثیل در منابع علمی را اثبات می‌کند و در نتیجه ضرورت توجه علمی به مشکل ضعف تمثیل را مطرح می‌کند زیرا ضعف تمثیل منتهی به ضعف استدلال و موجب اختلال در انتقال معنا می‌شود، رکود علمی و ضعف تولید علمی جدید را پدید می‌آورد و فرایند یاددهی و یادگیری را با اختلال مواجه می‌کند.<sup>۱</sup>

همچنین بررسی آماری از کاربرد تمثیل «اکرم‌العمما» حاکی از آن است که این تمثیل در بیش از ده مبحث از مباحث علم اصول استفاده شده است. که عناوین آن به شرح زیر است.

۱. در عام و خاص بحث اجمال مخصص؛ ۲. در اصول عملیه بحث استصحاب؛ ۳. در عام و خاص بحث تقدم و تأخیر مخصص؛ ۴. در تعارض و تراجیح بحث متعارضین؛ ۵. در تعارض بحث متراجحین؛ ۶. در تعارض بحث تخییر؛ ۷. در تعارض بحث الجمع اولی من التراجیح؛ ۸. در بحث صور مختلف مرجحات دلالی؛ ۹. در اوامر، مبحث نسخ وجوب؛ ۱۰. در اجتماع امر و نهی و امثال آنها.

نتیجه تحلیل آماری از کاربرد تمثیل «اکرم‌العلماء» آنکه اولاً؛ این تمثیل از نظر زمانی، در طول صدها سال مورد استفاده صاحب‌نظران بوده است و ثانیاً؛ از نظر مکانی نیز در تمامی حوزه‌های علمیه ایران و عراق مورد استفاده بوده است و ثالثاً؛ از نظر زبانی نیز در آثار تخصصی فارسی و عربی استفاده شده است و رابعاً؛ از نظر فراوانی نیز هزاران بار مورد استفاده صاحب‌نظران قرار گرفته و خامساً؛ از نظر توزیع درون علمی نیز در جای‌جای مباحث علمی مکرراً مورد ارجاع و استناد بوده است و این آمار به خوبی نشان می‌دهد که حداقل کاربرد این تمثیل با این گستره و فراوانی بالا می‌تواند بیماری ضعف تمثیل را در متون علمی در پی داشته باشد.

#### ۷- تحلیل کیفی و بررسی محتوایی نمونه‌های ضعف تمثیل چه نتایجی را نشان می‌دهد؟

استاد جعفری لنگرودی نمونه‌های بسیاری از تمثیل‌هایی که از نظر محتوایی دارای ضعف هستند را شناسایی و ذکر کرده‌اند از جمله دوازده نمونه مشخص از مصادیق ضعف تمثیل در آثار ایشان<sup>۲</sup> به شرح زیر شناسایی شده است.

اول - کسی را اجیر می‌کند برای کشیدن دندان خود ولی قبل از عمل اجیر، درد دندان آرام می‌شود!

---

۱. استاد جعفری لنگرودی پس از ملاحظه ویراست اول این مقاله خاطره‌ای را در این خصوص نقل کرده و فرمودند بعد از انتشار مجموعه ۵ جلدی دانشنامه حقوقی روزی مرحوم ابوالحسن محمدی ایشان را در خیابان ملاقات کردند و ضمن تقدیر از کتاب مزبور تأکید کردند که به طور خاص از مثال‌های زنده و کاربردی فراوانی که در این کتاب آورده شده است استفاده کرده‌اند و آن را موجب غنای علمی و تسهیل یاددهی و یادگیری مطالب دانستند.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مسائل منطق حقوق و منطق موازنه؛ تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴ و ۱۳۵ و علم حقوق در گذر تاریخ، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۱۹۰ و ۱۹۱.



دوم - زنی را اجیر می‌کند برای نظافت مسجدی در روز معین ولی آن زن در آن روز حیض می‌شود!<sup>۱</sup>  
 سوم - مثال موهوم تلخه که شارح قانون مدنی آورده است.<sup>۲</sup>  
 چهارم - مثال اجاره کردن<sup>۳</sup> خروس که موقع سحر، او را از خواب بیدار کند تا نماز صبح بخواند!  
 پنجم - نخعی<sup>۴</sup> را پیش از فجر بلعید پس وارد زمان روزه واجب گردید در حالی که یک سوی نخ از دهن او بیرون است و سوی دگرش وصل است به پلیدی معده...!  
 ششم - خیط مغصوب و ضمان غاصب به رد نخ به مالک که غالباً آن را مثال زده‌اند.<sup>۵</sup>  
 هفتم - اجاره کردن درخت برای اینکه لباس بر آن آویخته و خشک کنند یا از سایه آن استفاده شود.<sup>۶</sup>  
 هشتم - رهن دادن کنیز جمیل و اقباض او به مرتهن<sup>۷</sup> که مردی فاسق باشد.  
 نهم - خانه‌ای فروخت که شتری در آن بود و نمی‌توان شتر را از درخانه به در آورد. الا با خراب کردن آن!<sup>۸</sup>  
 دهم - حیوانی سرش را در دیگ دیگری کرد و جز به شکستن دیگ، سرش را بیرون نتواند آورد!<sup>۹</sup> این یکی در فارسی ضرب‌المثل شد که می‌گویند: سرگاو در خمره گیر کرد.  
 یازدهم - اذا رمی المسلم ذمياً بسهم، فأسلم قبل الاصابه، ثم اصابه فمات منه<sup>۱۰</sup>....

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فلسفه عمومی حقوق بر پایه اصالت عمل، تئوری موازنه، تهران، گنج دانش، ش ۲۱/۹ و حسینی شقرائی عاملی نجفی، سید محمد جواد بن محمد، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، مؤسسة النشر الاسلامی، جلد ۷، ۱۳۹۱، ص ۱۶۰.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فلسفه عمومی حقوق بر پایه اصالت عمل، تئوری موازنه، ش ۱۸/۵-۲۱.

۳. ابن قدامة المقدسی، المغنی، مكتبة القاهرة، جلد ۵، ۱۳۸۸ هـ، ص ۵۵۵. عن احمد الرجل یشتري الديك یوقظه لوقت الصلوه ! لایجوز. و ذلك لانه یقف علی فعل الديك، و لایمكن استخراج ذلك منه یصرب ولا غیره، و قد یصبح و قد لایصبح، و ربما صاح بعد الوقت! عین عبارت ابن قدامه در تذکره اخذ شده است.  
 ۴. فرع لطیف، : لو ابتلع خیطا قبل الفجر و اصبح صائماً صوماً متعیناً و طرفه خارج من فیه و الاخر ملاصق بناجاسه المعده و اعتبرنا و جوب اجتناب مثله....

۵. علامه حلی، تذکره الفقها، المكتبة المرتضویه، جلد ۲، ۱۴۱۴، ص ۱۴/۱۰۰۴.

۶. المغنی، ابن قدامة المقدسی، مكتبة القاهرة جلد ۵، ۱۳۸۸ هـ ص ۵۴۷ و علامه حلی، تذکره الفقها؛ المكتبة المرتضویه، ۱۴۱۴، جلد ۲، ص ۷/۹۰۳.

۷. روح الله، خمینی، مناهج الوصول الی علم الاصول، جلد ۱، ۱۳۸۷، ص ۲۹/۲۶۰ و حسینی شقرائی عاملی نجفی، سید محمد جواد بن محمد، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، جلد ۵، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۹۱، ص ۲/۸۳ و نجفی مشهور به کاشف الغطاء، شیخ جعفر بن شیخ خضر، شرح قواعد الاحکام علامه حلی، شرح کتاب البیع"، ص ۲۳/۵۹، نوری، یحیی بن شرف، المجموع شرح المهدب، جلد ۱۴، ص ۳/۳۵.

۸. ابن رجب، عبدالحمن بن احمد، القواعد در فقه شامل عبادات و معاملات. بی‌تا، ص ۱۵۸.

۹. علامه حلی، تذکره الفقها، المكتبة المرتضویه، جلد ۲، ۱۴۱۴، ص ۳۲۹/۹۹۹.

۱۰. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسالك الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، جلد ۲، ۱۳۱۴، ص ۴۶۶ و ۱۷/۵۱۴-۲۲.

دوازدهم - جمع کردن و انباشتن شیر در پستان حیوان شیرده تا مشتری فریب خورد و به طمع بخرد. یکی در فقه شافعی گفته است<sup>۱</sup> اگر مالک حیوان، زنبوری بر پستان حیوان نهد تا بگزد و پستان آن، باد کند تا مشتری خیال کند که پرشیر است!

#### ۸- چه نمونه‌هایی از جایگزینی مثال زنده به جای مثال ضعیف وجود دارد؟

استاد جعفری لنگرودی پس از تفتن به ضعف تمثیل ده‌ها مورد مثال جایگزین پیشنهاد کرده‌اند که به لحاظ اختصار دو نمونه ذکر می‌شود.

۸-۱- علامه در تذکره<sup>۲</sup> فرعی را ذکر کرده که «اگر ملک سابقاً مسکن سپاه باشد و بفروشد و مشتری از آن سابقه خبر نداشته باشد خیار عیب دارد زیرا سکونت لشکریان در خانه‌ای موجب کاهش رغبت خریداران است» استاد جعفری لنگرودی در این خصوص می‌گوید مثال قوی کم نیست می‌توانست مثال بیاورد به خرید مزرعه‌ای که بعداً معلوم شود موش صحرایی در آن فراوان است یا در عصر ما باید به خرید خانه‌ای مثال زد که بعداً معلوم شود بلندگوی همسایگان و همجواری در ساعاتی از روز فعال است.<sup>۳</sup> حداقل مثال ضعیف را نباید تکرار کرد.

۸-۲- مثال پرکاربردی که برای مقدمه واجب مطرح می‌شود این است که وقتی مولا گفت برو پشت بام نتیجه می‌گیریم که نصب نردبان به عنوان مقدمه، واجب است.

استاد جعفری لنگرودی این تمثیل را عامیانه می‌دانند و به نقل از مردی سالخورده و دنیا دیده می‌گویند: این که نشد علم، باید این گونه مثال بزنند؛ «اگر خانه‌ای را اجاره دادی و منافع مدت اجاره را واگذاشتی، متعهد به تسلیم عین مستأجره هستی؛ این تعهد، مقدمه تعهد موجد عین، در واگذاری منافع است.»<sup>۴</sup> با این وجود ایشان تنقیصی را بر گذشتگان روا نمی‌داند اما هشدار می‌دهد که آیندگان می‌دهند و می‌نویسند: «این مثالها از آن رو آوردم تا طالب این علم، راه دگر گیرد و دنبال مثالهای واهی یا ضعیف نرود و عمر تباہ نکند. علم آن بزرگان را هم با معیار این مثالها نسنجد که آنان چندان کار کرده‌اند که چند مثال واهی یا ضعیف در سخن آنان مانند گاهی است در برابر کوهی از تحقیقات و تلاشهای اندیشه که اگر از خود باقی نمی‌گذاشتند باید در هر مورد، دست حاجت به سوی غیر دراز می‌کردیم»<sup>۵</sup>

#### ۹- آرایه ادبی تشخیص چیست و چرا در این مقاله استفاده خواهد شد؟

آرایه‌های ادبی در ادبیات فارسی عبارت است از: به کار بردن فنونی که رعایت آنها بر جلوه‌ها و جنبه‌های

۱. نوری، یحیی بن شرف، المجموع شرح المذهب، دار الفکر، جلد ۱۲، ص ۲۴/۹۵.

۲. علامه حلی، تذکره الفقهاء، المكتبة المرتضوية، جلد ۲، ۱۴۱۴، ص ۵۳۸.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فن استدلال در علم حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص ۲۴۰.

۴. همان، ص ۲۵۸ و نیز تئوری موازنه، پیشین، ش ۶/۹.

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مسائل منطق حقوق و منطق موازنه، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴، ص ۱۳۵.



زیبایی و هنری سخن می‌افزاید. آرایه‌های ادبی به دو دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: آرایه‌های لفظی و آرایه‌های معنوی.

منظور از آرایه‌های لفظی فنونی هستند که تناسب آوایی و لفظی میان واژه‌ها پدید می‌آورند. نظیر شعر سعدی که می‌گوید:

خواب نوشین بامداد رحیل / باز دارد پیاده را ز سبیل<sup>۱</sup>

که تکرار مصوت کوتاه - در مصراع نخست تکامل بخش موسیقی درونی شعر است. آرایه‌های ادبی لفظی انواع مختلفی همچون سجع و ترصیع و جناس و تخلص دارند. اما آرایه‌های معنوی فنونی هستند که بر پایه تناسب‌های معنایی واژه‌ها شکل می‌گیرند. این آرایه‌ها نیز انواع مختلفی دارند از جمله مراعات‌النظیر، تضاد، متناقض‌نما یا پارادکس، عکس، لف و نشر و از جمله آرایه ادبی تشخیص.

آرایه ادبی تشخیص عبارت است از شخصیت‌بخشی یا جان‌بخشی به اشیا با این آرایه صفت‌ها و رفتارهای آدمی به اشیا نسبت داده می‌شود<sup>۲</sup>. آرایه ادبی تشخیص نوعی از استعاره است که مُشَبَّه، غیر انسان است اما ویژگی انسانی به آن نسبت داده می‌شود. مثل این شعر حافظ که می‌فرماید:

آن همه ناز و تنعم که خزان می‌فرمود عاقبت در قدم باد بهار آخر شد<sup>۳</sup>

در این بیت «نازیدن» که ویژه آدمی است به «خزان» نسبت داده شده است. شخصیت‌بخشی یا جان‌بخشی به اشیاء شباهت با انسان‌انگاری یا انسان‌دیی و انسان‌وارگی نیز دارد.<sup>۴</sup> که به معنای تعبیر انسان‌گونه از هر چیزی است که لزوماً خصلت یا شکل انسانی نداشته باشد. بسیاری از مفاهیم که در رشته معماری مطرح است ریشه انسان‌وارگی دارد. در افسانه‌ها و باورهای باستانی نیز نسبت دادن خواص انسانی نظیر دست و پا و غیره به خدا، تعبیری انسان‌واره است که البته در تفکر قرآنی این تعبیر نسبت به خدای عز و جل نفی<sup>۵</sup> شده و از جمله در سوره اخلاص تصریح شده است که «برای او نظیری نیست»<sup>۶</sup> و روایات نیز در این خصوص تأکید فراوان دارند.

اما استفاده از آرایه تشخیص در این مقاله از چند جهت است اول آنکه می‌خواهیم نشان دهیم استاد جعفری لنگرودی چگونه در یک مواجهه تمام‌عیار با معضل ضعف تمثیل در ادبیات تخصصی فقه و حقوق و اصول قرار گرفته‌اند؟ و چگونه توانسته‌اند از کاربردهای فراوان و ناروای تمثیل‌های تکراری همچون «اکرم‌العلماء» جلوگیری کنند و با وارد کردن تمثیل‌های کاملاً تخصصی موجب آزاد شدن تمثیل‌های

۱. گلستان سعدی.

۲. همایی، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، هما، چاپ ۳۱.

۳. دیوان حافظ.

۴. Anthropomorphism

۵. کلمه توحید.

۶. سوره توحید.

پرتکرار همچون «اکرم‌العلماء» از بار معنارسانی‌های اضافی و تحمیلی شوند. وجه دوم استفاده از آرایه ادبی تشخیص و جان‌بخشی به تمثیل «اکرم‌العلماء» آن است که استاد جعفری لنگرودی در نظریه فلسفی وجود اعتباری<sup>۱</sup> اساساً موجودات اعتباری را در مقابل موجودات طبیعی دارای وجود دانسته و موجودات اعتباری را موضوع اساسی مباحث حقوقی اعلام می‌کنند. این نظریه از رسالهٔ دکتری ایشان با عنوان «تأثیر اراده در حقوق مدنی» گرفته تا کتاب فلسفه اعلی در حقوق و رنسانس فلسفه و سایر آثار ایشان مطرح است.<sup>۲</sup> بر این اساس استفاده از آرایه ادبی تشخیص با این نظریهٔ هماهنگ بوده است و توجیه می‌شود، زیرا علاوه بر آنکه اشیای جهان از ویژگی انسان وارگی یا انسان‌دیی برخوردار هستند بلکه از نظر ایشان حتی مفاهیم و مباحث اعتباری که فاقد وجه فیزیکی و یا ملموس می‌باشند نیز قابل تعبیر انسان‌واره بوده و سهمی از وجود را دارا می‌باشند و می‌توان از آنها تعبیر انسان‌واره داشت. ابتکار استاد جعفری لنگرودی در جلد چهارم کتاب رنسانس فلسفه و طرح نظریه وجود اعتباری دارای زیرساخت فلسفی قوی نیز هست زیرا بحث از وجود ذهنی<sup>۳</sup> در فلسفه اسلامی سابقه دیرین دارد و موجب بحث‌انگیزی‌های فراوانی شده است. وجه سوم استفاده از آرایه ادبی تشخیص آن است که اساساً نظریه «هوشمندنگاری جهان طبیعت» در علوم مختلف نظیر عرفان، فلسفه، فیزیک، شیمی، ادبیات، حتی علوم کشاورزی مطرح شده است. تجلی این نظریه در ادبیات فارسی با زیرساخت عرفانی و فلسفی در موارد بسیار زیادی مطرح است. جلوه‌های این نظریه در ادبیات فارسی با زیرساخت عرفانی و فلسفی در موارد بسیاری مطرح است. آنجا که شیخ اجل سعدی می‌فرماید.

به ذکرش هرچه بینی درخروش است / دلی داند در این معنا که گوش است  
یا مولوی در دفتر سوم ابیات ۱۰۱۹ تا ۱۰۲۱ می‌گوید:

جمله ذرات عالم در نهان / با تو می‌گویند روزان و شبان

ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم / با شما نامحرمان ما خامشیم

#### ۱۰- مفهوم «اکرم‌العلماء» با استفاده از آرایه ادبی تشخیص چگونه توصیف می‌شود؟

برای توصیف معنای لغوی «اکرم‌العلماء» با استفاده از آرایه ادبی تشخیص مبحثی را ذیل عنوان «دیار و تبار اکرم‌العلماء» ارائه می‌کنیم و سپس برای توصیف آثار کاربردهای ناروا و انبوه این تمثیل بر معنای لغوی آن مبحثی با عنوان «کم‌گشتگی و غربت و اسارت اکرم‌العلماء» ارائه می‌شود.

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، رنسانس فلسفه، جلد ۴، گنج دانش، ص ۲۰ به بعد.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فن استدلال، پیشین، ص ۳۵ به بعد و فلسفه اعلی در علم حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، ص ۱۳ به بعد، فلسفه حقوق مدنی، جلد ۱، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵ به بعد، الفارق، ج ۲، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۶، ص ۵۱ به بعد، تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، ص ۴۳ به بعد.

۳. طباطبایی، علامه محمدحسین، نهاییه الحکمه دانشگاه الزهراء(س)، معاونت پژوهشی، ۱۳۷۲.

### ۱۰-۱- دیار و تبار «اکرم‌العلماء»<sup>۱</sup>:

اکرم‌العلماء اصیل بود و نجیب‌زاده. تباری اخلاقی داشت. برآمده از شهر آزادگان بود و برخاستگاهش انبوه آموزه‌های مصلحان و معلمان و پیامبران<sup>۲</sup>. دیارش فطرت پاک انسانی بود. ریشه در پاسداشت «آزادی اندیشه» داشت و به دنبال ارتقای معنویت و تکریم انسان و انسانیت بود. اکرم‌العلماء برای تکریم و تجلیل و بزرگداشت مقام علم و معلم بود و آرمان آن توسعه اخلاق و معنویت و بهبود رفتار و شرایط زیست انسانی بود. اکرم‌العلماء وظیفه معنارسانی از سرزمین اخلاق را بر عهده داشت. آمده بود تا آموزه‌های خردورزانه و آزادی اندیشه را پاس دارد و نسیم پرمهر و سرشار از عطر خوبی‌ها را در پیرامون علم و عالم و اندیشه و معنویت و انسانیت پراکنده سازد. در یک کلام اکرم‌العلماء برای پاسداشت مقام عالمان و اندیشه‌ورزان آمده بود. همین و نه بیشتر. اکرم‌العلماء آمده بود تا به ما بیاموزد نحوه زیست با عالمان و تعامل با آنها را.

اما اشتیاق زائدالوصف او به انجام وظیفه معنارسانی، اکرم‌العلماء را آرام آرام از دیار و تبار خود دور می‌کرد. و او هم به شوق انجام وظیفه معنارسانی اخلاقی بود که دوری از دیار و تبار خود را به جان می‌خرد تا آنکه آرام آرام از دیار و تبار خود دور افتاد.

### ۱۰-۲ - گم‌گشتگی و غربت و اسارت «اکرم‌العلماء»:

معنارسانی مستمر اکرم‌العلماء و چابکی او در معنارسانی‌های سریع و عمیق، باعث شد افرادی، به خاطر ضعف تمثیل و فقر مثال، بار معنارسانی او را سنگین و سنگین‌تر کنند و اکرم‌العلمای اصیل و نجیب‌زاده را برای انجام وظیفه معنارسانی به سرزمین‌های خشک و بی‌آب و علف ببرند. اکرم‌العلمای صبور و نجیب، دوری از تبار خود را نادیده گرفت و نجیبانه به انجام وظیفه معنارسانی پرداخت. اما سنگینی این بار، بر دوش نحیف او موجب شد که علاوه بر دوری از تبار و دیار خود آرام آرام با ریشه‌های اصیل و عمیق و بر خاستگاه خانوادگی خود نیز قطع ارتباط کند. اکرم‌العلماء روزانه وظیفه معنارسانی<sup>۳</sup> در انبوهی از مثال‌های خشک و خالی از نشاط و سرسبزی را بر عهده داشت و روز به روز بر وظیفه معنارسانی او در دوردست‌ها افزوده می‌شد. مجال اندکی برای پیوند او با دیار و تبار خود فراهم نمی‌شد و اکرم‌العلمای نجیب و اصیل، روز به روز در برهوت معنارسانی گم‌گشته‌تر می‌شد و پیوند او با یار و دیار و تبارش سخت دورتر می‌شد. روزی که جناب صائب تبریزی روزگار او را دید برای انعکاس آن چنین گفت و با شتاب گذشت.

منی که لفظ شراب از کتاب می‌شستم/ زمانه کاتب دکان می‌فروشم کرد<sup>۴</sup>

۱ تمام توصیف‌هایی که در این قسمت می‌آید در حدود بیان معنای لغوی اکرم‌العلماء است که می‌خواهد بگوید «دانشمندان را گرامی بدارید»

۲. اشاره به ارزش و جایگاه علم و عالم در آموزه‌های دینی و معرفت بشری.

۳. این وظیفه از رابطه لفظ و معنا در مباحث زبان‌شناسی قابل استفاده است.

۴. در انتساب این بیت به صائب تبریزی اختلاف وجود دارد برخی آن را به طالب آملی منسوب کرده‌اند.

اکرم‌العلماء با این بیت صائب «هم‌ذات‌پنداری»<sup>۱</sup> می‌کرد. او هم احساس کرد صائب در سرودن این بیت نگاهی به او داشته و از سنگینی بار معنارسانی او در دوردست‌ها نگران است. اکرم‌العلماء فرسوده شده بود. جسم نحیفش تحمل این بار گران معنارسانی را نداشت. او باید فقط در بیش از دهها مورد از مباحث<sup>۲</sup> اصولی حاضر می‌شد و وظیفه سنگین و فوق طاققت معنارسانی را انجام می‌داد. اکرم‌العلماء جسمی نحیف و روانی ناقص پیدا کرده بود. بار سنگین معنارسانی را بر دوش خود احساس می‌کرد. از عمق جان نالید و خدای کلمه<sup>۳</sup> را خواند. «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ»<sup>۴</sup>. اما وظیفه معنارسانی برای اکرم‌العلماء در علوم مختلف تعریف شده بود. اکرم‌العلماء به مثابه دستمایه تمام کسانی<sup>۵</sup> شده بود که از ضعف تمثیل رنج می‌بردند و فقر مثال برای انتقال معنا، آنها را با چالش مواجه کرده بود. آنها اکرم‌العلماء را برای هر تمثیلی به کار می‌بردند. شاید خودشان هم نمی‌دانستند که اکرم‌العلماء اسیر آنها شده و تحمیل این بار معنارسانی به او جایز نیست. آنها آزاده‌ای را به اسارت گرفته بودند و گناهی بزرگ مرتکب شده بودند زیرا «اخذ الحر عبداً» از گناهان نابخشودنی است. ناله اکرم‌العلماء به درگاه حق و خالق کلمه بیشتر شد و همچنان نالید. «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا...»<sup>۶</sup>

#### ۱۱- مواجهه استاد جعفری لنگرودی با ضعف تمثیل چگونه توصیف می‌شود؟

پاسخ به این سؤال در قالب آرایه تشخیص با عنوان «مرد آزادی بخش» و «در هوای آزادی» ارائه شود.

#### ۱۱-۱- مرد آزادی بخش:

نالۀ آن گم گشته از یار و دیار، در کویر دور افتاده جغرافیای علمی پیچیده بود:  
ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد / در دام مانده باشد، صیاد رفته باشد<sup>۷</sup>  
مردی از کوره راه تاریخ عبور می‌کرد. اکرم‌العلماء نحیف شده را دید. دور افتاده از شهر و دیار خود. ناله حزین او را شنید که حافظ هم شنیده بود و آنرا چنین انعکاس داده بود؛  
به یاد شهر و دیار آن چنان بگریم زار / که راه و رسم سفر از جهان براندازم<sup>۸</sup>

۱. اصطلاحی در روانکاوی است که بیشتر از نوشته‌های زیگموند فروید ریشه می‌گیرد. ویکی پدیا.

۲. بنگرید به شماره ۶-۴ همین مقاله

۳. نگاه شود به انجیل یوحنا باب اول «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و...» و قرآن کریم آل عمران، آیات ۴۵ و ۴۹ و نساء ۱۷۱.

۴. قرآن کریم، بقره، ۲۸۲.

۵. لنگرودی با ذکر آدرسهای متعدد از بزرگان فقه و اصول نمونه‌های بسیاری را در خصوص کاربرد ناروای تمثیل بیان می‌کنند از جمله نگاه شود به جعفری لنگرودی، محمدجعفر، کتاب مسائل منطق حقوق و منطق موازنه، پیشین، ص ۱۳۳ به بعد.

۶. سوره بقره آیه ۲۸۶.

۷. دیوان حزین لاهیجی، مکتوب، ۱۳۷۵.

۸. دیوان حافظ.

آری حافظ هم اکرم‌العلماء را در غم هجران و دوری از یار و شهر و دیار خود دیده بود و در وصف حالش این بیت را سروده بود و مسیر خودش را در تاریخ ادامه داده بود.

مرد آزادهٔ ما نیز با شتاب و با کوله‌باری سنگین راه می‌پیمود، اما بار سنگین اکرم‌العلماء و ناله جانگاہ او مرد آزاده را به تفکر واداشت گویی صدای «یا للمسلمین»<sup>۱</sup> را شنیده بود. کوله‌بارش پر بود از لغت و تمثیل<sup>۲</sup>، اصل و استثنا<sup>۳</sup>، فرع و استدلال<sup>۴</sup>، قیاس و برهان<sup>۵</sup>، آیه و حدیث<sup>۶</sup>، فرهنگ بومی<sup>۷</sup> و بین‌المللی<sup>۸</sup> و هر آنچه از معنا لازم بود در کوله داشت. بر کوله بارش حک شده بود «استاد محمدجعفر جعفری لنگرودی». مرد آزاده نگاهی به اکرم‌العلماء انداخت و زیر لب خواند «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»<sup>۹</sup>. دیگر نتوانست به صدای «یا للمسلمین» بی‌تفاوت باشد و به مسیر خود در کوره راه تاریخ ادامه دهد. او ضعف تمثیل نداشت و دچار فقر مثال<sup>۱۰</sup> نبود. کوله بارش سرشار از معنا و معنویت بود. مرد آزاده با خود اندیشید «ما دچار فقر مثال نیستیم... این وضع مانع تحرک اندیشه است... اسلاف ما از این حقیقت غفلت تام داشتند... روز و شب باید تصفح متون کنم... عمری باید در تألیفات خود با ضعف تمثیل مبارزه کنم... تا آنها را از این اسارت برهانم»<sup>۱۱</sup> او دستان شفا بخش خود را بر سر و دوش اکرم‌العلماء کشید و بار معنارسانی او را کاهش داد و او را از شهر و دیار غربت آزاد کرد. طنین کلام و عطر نفس مرد آزاده هوای تازه‌ای را به اکرم‌العلماء بخشید. بار معنارسانی او سبک شد. اختلال در معنارسانی او مرتفع شد. اکرم‌العلماء چشم گشود و خود را در دیار آبا و اجدادی خود دید. اما همچنان اشتیاق معنارسانی و انجام وظیفه معنارسانی در عمق جان او تازه بود. دستان شفا بخش مرد آزادی بخش، به اکرم‌العلماء جانی تازه بخشید. نشاطی دوباره یافت. سر برآورد و خود را در زیگوراتی به قامت عرش احساس کرد. در آنجا به مناجات ایستاد و اکنون جمال زیبای اکرم‌العلماء را می‌بینیم که شکوه‌مند و پرهتزاز به تکریم علم و عالم فرا می‌خواندمان و بار معنارسانی او سبک شده است او اکنون سبک بال و شادان و خرامان در سرزمین آبا و اجدادی خود هم آغوش یار و همراه دیار و تبار می‌باشد. اکرم‌العلماء افسرده نیست. او با نشاطی مضاعف ما را به تکریم مرد آزادی بخش فرا می‌خواند.

۱. حدیث نبوی مشهور.

۲. اشاره به آثار ادبی استاد جعفری لنگرودی.

۳. علم حقوق آن گونه که در مقدمه ترمینولوژی حقوق تعریف می‌کند.

۴. آثار حقوقی ایشان.

۵. آثار تحلیلی استاد.

۶. آثار فقهی استاد.

۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دانشنامه حقوقی، جلد اول، مقدمه، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶.

۸. همان.

۹. اعراف-۵۷

۱۰. تعبیر از استاد جعفری لنگرودی است.

۱۱. تعابیر عیناً از استاد جعفری لنگرودی.

## ۱۱-۲- در هوای آزادی:

اکنون اکرم‌العلماء را می‌بینیم که یارش در بر است و خود را می‌بینیم که دو چشم انتظارمان<sup>۱</sup> بر در است. ما نیز در زیر بار سنگین معنارسانی‌های بی‌هوده و روزمره زندگی به مثابه همان اکرم‌العلماء هستیم که ممکن است حتی هویت خود را گم کرده‌ایم و در کویری دور از دیار و تبار خود مأوی گزیده باشیم. «اتلفت عمری فی سکره التباعد عنک...»<sup>۲</sup>

طایر گلشن قدسم چه دهم شرح فراق / آدم آورد در این دیر خراب آبادم<sup>۳</sup>

پس به همان زیگورات می‌رویم تا با نجوای عاشقانه‌ای بخوانیمش که:

«رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا...»

پس به انتظار می‌مانیم. در هوای آزادی

و به اندیشه می‌نشینیم. ما بر آزادی

و می‌نگریم که چگونه اکرم‌العلماء آزاد شد. !!

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

یافته‌های این پژوهش به دو قسمت گذشته نگر و آینده نگر قابل تقسیم است. یافته اول که گذشته نگر است آن است که ضعف تمثیل موجب ضعف استدلال و فقدان غنای متون علمی می‌باشد و نمونه‌های آن در ادبیات کهن فقهی و آثار فقهای معاصر فراوان یافت می‌شود و با تتبع و تحقیق نیز نمونه‌های بیشتری قابل استخراج است و از میان حقوق دانان مسلط به متون کهن فقهی جناب آقای استاد محمدجعفر جعفری لنگرودی متفطن به این ضعف علمی شده و بارها آن را گوشزد کرده و نمونه‌هایی از آن را شناسایی کرده و تلاش کرده تا نمونه‌ها و مثال‌هایی زنده و غنی و پر کاربرد به جایگزینی آنها ارائه دهد تا وظیفه معنارسانی و غنای ادبیات علمی را محقق کند. اما یافته دوم که آینده نگر است می‌تواند نیازسنجی پژوهش را نشان دهد و به تمامی پژوهشگران حقوقی و فقهی گوشزد می‌نماید که اولاً؛ ضعف تمثیل را در تدوین و تحلیل‌های حقوقی مشکلی جدی بشمارند و ثانیاً؛ شناسایی مصادیقی از مثال‌های علمی و تلاش برای بهبود و رفع کهنگی آنها و ارائه مثال‌های زنده امری است که باید در پژوهش‌های آینده‌نگرانه و تدوین‌های علمی مدنظر قرار گیرد و همواره برای طراحی مثال‌های تخصصی و علمی تلاش و کوشش و پژوهش ویژه‌ای صورت گیرد تا بر غنا و استحکام و انسجام علمی تولیدات علمی افزوده شود. بعون الله تعالی

۱. با الهام از سخن سعدی.

۲. از مناجات امام سجاد علیه السلام.

۳. دیوان حافظ.



## منابع و مأخذ:

### الف - منابع فارسی

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۰)، فلسفه فرهنگ و هنر، تهران، گنج دانش.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد دوم، تهران، گنج دانش.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۱)، فلسفه عمومی حقوق بر پایه اصالت عمل، تئوری موازنه، تهران، گنج دانش.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۲)، فن استدلال در علم حقوق، تهران، گنج دانش.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۴)، مسائل منطق حقوق و منطق موازنه، تهران، گنج دانش.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، الفارق، جلد دوم و سوم، تهران، گنج دانش.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۷)، روش جدید در مقدمه علم حقوق، تهران، گنج دانش.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۷)، علم حقوق در گذر تاریخ، تهران، گنج دانش.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۲)، تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران، گنج دانش.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۳)، فلسفه حقوق مدنی، جلد یک، تهران، گنج دانش.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۴)، فلسفه اعلی در علم حقوق، تهران، گنج دانش.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۶)، رنسانس فلسفه، جلد چهارم، تهران، گنج دانش.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۹)، وسیط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش.
۱۴. حزین لاهیجی، (۱۳۷۵)، دیوان، مکتوب.
۱۵. دیوان حافظ

۱۶. کتابخانه دیجیتال نور به آدرس [www.noorlib.ir](http://www.noorlib.ir) در اسفند ۱۳۹۷.

۱۷. گلستان سعدی

۱۸. همایی، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ سی و یکم، هما.

### ب - منابع عربی

۱۹. قرآن کریم

۲۰. صحیفه سجادیه

۲۱. مناجات امام سجاد علیه السلام

۲۲. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، (۱۳۱۴)، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، جلد دوم، موسسه المعارف الاسلامیه.

۲۳. ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، (بی تا)، القواعد در فقه شامل عبادات و معاملات.

۲۴. ابن قدامه المقدسی، (۱۳۸۸)، المغنی، جلد پنجم، مکتبه القاهره.

۲۵. حسینی شقرائی عاملی نجفی، سید محمد جواد بن محمد، (۱۳۹۱)، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، جلد ششم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۶. روح الله، خمینی، (۱۳۸۷)، مناهج الوصول الی علم الاصول، جلد اول، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۷. السمنانی، أبی القاسم، (۲۰۱۵)، روضه القضاء و طریق النجاه، جلد سوم، محقق صلاح الدین الناهی.
۲۸. طباطبایی، علامه محمدحسین، (۱۳۷۲)، نهاییه الحکمه، دانشگاه الزهراء (س)، معاونت پژوهشی.
۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴)، تذکره الفقها، جلد دوم، المكتبة المرتضویه.
۳۰. کاشف الغطاء، شیخ جعفر بن شیخ خضر، (۱۲۲۷ ق)، شرح قواعد الاحکام علامه حلی، شرح کتاب البیع.
۳۱. نوری، یحیی بن شرف، (بی تا)، المجموع شرح المذهب، جلد دوازدهم و چهاردهم، بیروت، دارالفکر.

